

Representation of Uniformity in Persian and English Inflection Based on Natural Morphology Theory: A Corpus-Based Study

Leila Gholipour
Hasankiade 

PhD student in linguistics, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Forough Kazemi* 

Associate Professor of Linguistics, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

This study investigates the uniformity of Persian and English inflectional affixes based on Natural Morphology Theory to show how the uniformity of inflectional affixes of nouns, verbs, adjectives and adverbs can be explained. The present research has exercised mixed (qual-quantitative) and descriptive-analytical method. Research data were selected from both Persian and English corpora by the means of a random sampling method; afterward, the data were analyzed considering uniformity. In terms of frequency, the results identified uniformed forms in both languages and indicate that in the Persian corpus, 526 inflectional affixes of verbs, and all affixes of adjectives (185) are uniformed, although inflectional affixes of nouns lack uniformity. While in English corpus, inflectional verb affixes (89) represent uniformity, 172 inflectional noun affixes and 23 adjective affixes lack uniformity. Generally, the more frequency in uniformity of affixes shows they are less marked and more natural. Therefore, tense affix, negation, and subjunctive mood in the inflectional system are more natural than optative mood, past tense affix-ad, and imperative affix. Person and number markers are more natural than imperfect aspect in English. It is worth mentioning that all portmanteau morphs, suppletions and fusion forms reduce the naturalness of both languages due to the fact that there is no one-one relationship between their forms and meanings. The achievements of the current study can be useful in the field of translation studies.

Keywords: Uniformity, Persian/English inflection, Natural morphology theory, Markedness.

- The present article is taken from the doctoral thesis of Linguistics, Islamic Azad University, Central Tehran Branch..


* Corresponding Author: f.kazemi86@yahoo.com

How to Cite: Gholipour Hasankiade, L., Kazemi, F. (2022). Representation of Uniformity in Persian and English Inflection Based on Natural Morphology Theory: A Corpus-Based Study. *Language Science*, 9 (16), 413-442. Doi: 10.22054/LS.2022.68638.1551




بازنمایی وحدت شکلی در تصریف فارسی و انگلیسی بر اساس نظریه صرف طبیعی: رویکردی پیکره‌بنیاد

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد
اسلامی، تهران، ایران.

لیلا قلی پور حسن کیاده 

دانشیار زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،
تهران، ایران.

فروغ کاظمی *

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی میزان وحدت شکلی نشانه‌های تصریفی فارسی و انگلیسی بر اساس نظریه صرف طبیعی پرداخته که نقشی اساسی در تعیین میزان طبیعی بودن زبان دارد. هدف از پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که وحدت شکلی نشانه‌های تصریفی اسم، فعل، صفت و قید در مقولات دستوری این دو زبان چگونه قابل تبیین هستند. روش تحقیق به صورت کیفی - کمی و توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها از دو پیکره فارسی و انگلیسی به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده و سپس، بر اساس ملاک وحدت شکلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش ضمن شناسایی انواع صورت‌های دارای وحدت شکلی در هر دو زبان، به لحاظ بسامد نشان می‌دهند که در پیکره فارسی نشانه تصریفی فعلی در ۵۲۶ مورد و نشانه‌های صفت‌ساز در ۱۸۵ مورد وحدت شکلی دارند، اما همه نشانه‌های اسم‌ساز فاقد آن هستند. این در حالی است که در پیکره انگلیسی، نشانه تصریفی فعلی در ۸۹ مورد دارای وحدت شکلی است. با وجود این، ۱۷۲ نشانه اسم‌ساز و ۲۳ نشانه صفت‌ساز فاقد آن هستند. به طور کلی، هرچه بسامد وحدت شکلی نشانه‌های تصریفی بیشتر باشد، آنها بی‌نشان‌ترند و هرچه نشانه‌ای کمتر نشانه‌دار باشد، طبیعی‌تر است. لذا شناسه‌ها، نشانه منفی‌ساز و نشانه وجه التزامی در نظام تصریفی فارسی طبیعی‌تر از نشانه‌های وجه دعایی، /-ad/ گذشته‌ساز و نشانه تصریفی امری‌ساز هستند. به همین ترتیب، نشانه‌های تصریفی شخص و شمار در زبان انگلیسی طبیعی‌تر از نشانه تصریفی نمود ناقص هستند. شایان توجه است که تمام صورت‌های متراکم، صورت‌های مکمل و همجوشی‌ها (امتزاج‌ها) نیز به واسطه آن که رابطه یک‌به‌یک بین صورت و نقش در تصریف آنها رعایت نشده است، از میزان طبیعی بودن نظام تصریفی در هر دو زبان کاسته‌اند. دستاوردهای تحقیق حاضر می‌توانند در حوزه ترجمه و مطالعات ترجمه سودمند و مؤثر باشند.

کلیدواژه‌ها: وحدت شکلی، تصریف فارسی و انگلیسی، نظریه صرف طبیعی، نشاننداری.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.

* نویسنده مسئول: f.kazemi86@yahoo.com

۱. مقدمه

نظریه صرف طبیعی^۱ یکی از مهم ترین نظریه های مطرح شده در صرف است. سه زبان شناس به نام های درس لر^۲ (۱۹۷۸)، ورزل (۱۹۷۸)^۳ و مایرتالر (۱۹۷۸)^۴ انگاره صرف طبیعی را به دست داده اند (Spencer, 1991: 125). بر اساس این انگاره، می توان میزان طبیعی بودن زبان ها و نیز طبیعی بودن زبانی نسبت به زبان های دیگر را بررسی کرد. در صرف طبیعی، رابطه میان صورت و معنای نشانه حائز اهمیت است. به عبارتی دیگر، مهم است که بدانیم رابطه بین این دو مفهوم مطلق است یا مدرج که صرفیون این رابطه را مدرج قلمداد کرده اند. مایرتالر (۱۹۷۸) بر این باور است که هر چه پدیده ای کمتر نشاندار^۵ باشد، طبیعی تر است. طبق این انگاره، رابطه یک به یک دوطرفه^۶ بین صورت و معنا دیده می شود (Spencer, 1991: 223). نظام های صرفی زبان های مختلف تمایل دارند از اصول خاصی پیروی کنند؛ اصولی از قبیل شفافیت^۷، وحدت شکلی^۸ و نمایه گذاری^۹. تمرکز پژوهش حاضر صرفاً بر اصل وحدت شکلی است. وحدت شکلی زمانی صورت می گیرد که اصل یک نقش - یک صورت رعایت شود. از نظر صرف شناسان طبیعی، قواعدی بر واژه سازی حاکم اند که صورت طبیعی داشته باشند. به عبارت دیگر، قواعد خود کار و منظم از سایر قواعد طبیعی تر هستند، مثلاً جمع های باقاعده نسبت به صورت های استثناء طبیعی ترند (حق بین، ۱۳۷۹: ۲۴). درس لر و کیلانی - شوش^{۱۰} (۱۹۸۴) معتقدند که چارچوب نظریه صرف طبیعی متفاوت از مکاتب صورت گرایی^{۱۱} است، اگرچه مفاهیمی از قبیل ساخت واژه تصریفی و مفهوم هسته بین آنها مشترک است. طبیعی بودن مفهومی آشکار برای توصیف اصطلاحات خاصی چون شفافیت، تصویر گونگی^{۱۲} و زیایی^{۱۳} است. مطالعه حاضر بر آن است که به بررسی وندهای

-
1. natural morphology
 2. Dressler, W. U.
 3. Wurzel, W. U.
 4. Mayerthaler, W
 5. marked
 6. biuniqueness
 7. transparency
 8. uniformity
 9. indexicality
 10. Kilani-Schoch, S
 11. formalism
 12. iconicity
 13. productivity

تصریفی در دو زبان انگلیسی و فارسی بر اساس ملاک وحدت شکلی و همچنین بسامد آنها در پیکره پردازد تا از این رهگذر میزان طبیعی بودن نشانه‌های تصریفی در دو زبان یادشده را مشخص نماید. مسأله اصلی آن است که وحدت شکلی در وندهای تصریفی این دو زبان از منظر صرف طبیعی چگونه بازنمایی می‌شود و وجوه اشتراک و افتراق آن چیست. بدین منظور، پرسشی مطرح شده است مبنی بر اینکه بر اساس نظریه صرف طبیعی، وحدت شکلی - به عنوان یکی از مفاهیم اصلی این نظریه - در نشانه‌های تصریفی فارسی و انگلیسی در مقولات دستوری اسم، فعل، صفت و قید چگونه قابل تبیین است. نتایج پژوهش‌های پیشین در حوزه صرف طبیعی بسیار قابل توجه و پربار بوده‌اند. تاکنون پیرامون تحلیل وندهای تصریفی برای سنجش میزان طبیعی بودن دو زبان فارسی و انگلیسی (به‌ویژه فارسی) پژوهش‌های انگشت‌شماری انجام شده است. شایان توجه است که پژوهش‌های اندکی در خصوص دیگر اصول این نظریه، از جمله شفافیت و یا طول کلمه^۱ انجام شده‌اند، مانند حق‌بین (۱۳۷۸؛ ۱۳۷۹)؛ لذا در پژوهش حاضر به بحث وحدت شکلی به عنوان دیگر بخش مهم این نظریه پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری

صرف طبیعی در دهه ۱۹۷۰ آغاز به کار کرد و یکی از موارد خاص که منجر به این رشد شد واج‌شناسی طبیعی^۲ بود که توسط درسلر (۱۹۷۸) برای ارتباط میان واج‌شناسی و ساخت‌واژه بسط داده شد. در این رویکرد، مقوله‌های صرفی - نحوی^۳ ساده‌تر مقدم بر مقوله‌های صرفی - نحوی پیچیده‌ترند؛ مثلاً در مورد مقوله شمار، مفرد صورت ساده و جمع صورت پیچیده‌تر است. لفظ «کتاب‌ها» پیچیده‌تر از لفظ «کتاب» است، چون به جز مفهوم کلمه تعداد را هم نشان می‌دهد و این مسأله تصویرگونگی را نشان می‌دهد (حق‌بین، ۱۳۷۹). نشانه‌گذاری تصویری بدین مفهوم است که اگر مفهومی دارای یک نشانه تصویری باشد و مفهوم دیگری از آن مقوله دارای آن نشانه نباشد، مفهوم اول نشاندارتر و مفهوم دوم بی‌نشان‌تر است. طبق این انگاره، هرچه مقوله تصویرگونه‌تر باشد، صرف طبیعی‌تری خواهیم داشت (Spencer, 1991: 224).

1. word size
2. natural phonology
3. morphosyntactics

۱-۲. وحدت شکلی

مایرتالر و درسler (۱۹۷۸) پنج ملاک را به منظور محک طبیعی بودن زبانها معرفی کردهاند: تصویرگونگی، وحدت شکلی، شفافیت، طول کلمه و نمایه گذاری (حق‌بین، ۱۳۷۸: ۷۷). در این میان، تصویرگونگی قائل شدن به رابطه یک‌به‌یک بین مفهوم و ساخت واژی - نحوی است و شفافیت مرتبط با تک‌نقشی بودن نشانه تصریفی یا اشتقاقی است. صرفیون به این نتیجه رسیدند که متوسط طول کلمات در زبان‌های طبیعی دو تا سه هجا است و مقولاتی وحدت شکلی دارند که منطبق بر اصل یک نقش - یک صورت باشند. بر مبنای اصل تصویرگونگی، هر مقوله می‌تواند از درجات متفاوتی از تصویرگونگی برخوردار باشد، حال اگر مقوله‌ای کاملاً تصویرگونه باشد، دارای وحدت شکلی نیز هست و اگر کم‌و‌بیش از تصویرگونگی برخوردار باشد از وحدت شکلی آن کاسته می‌شود (حق‌بین، ۱۳۷۹: ۲۹). وحدت شکلی را می‌توان از رابطه میان دو وجه نشانه یعنی دال^۱ و مدلول^۲ استنباط کرد؛ یعنی نشانه‌ای از وحدت شکلی برخوردار است که هر دال آن از طریق یک مدلول بیان شود. به عنوان مثال، در زبان انگلیسی ساخت استمراری تنها با پسوند "ing" بیان می‌شود که نشان می‌دهد میان دال و مدلولش وحدت شکلی وجود دارد و در اصل این مقوله دارای وحدت شکلی است (Galeas, 2001: 14).

۲-۲. نشاننداری

مبحث دیگری که در صرف طبیعی حائز اهمیت است، نشاننداری است. در صرف طبیعی، بحث نشاننداری صرفی از مباحث مهم است. هرچه صورت‌ها بی‌نشان‌تر باشند، طبیعی‌ترند و هرچه طبیعی‌تر، بی‌نشان‌تر. از این رو، میزان طبیعی بودن فرایندها و ساختارها در زبان با میزان نشاننداری رابطه عکس دارد، مثلاً مقوله مفرد نسبت به جمع بی‌نشان‌تر است: خانه/خانه‌ها (spencer, 1991:224). مفاهیم نشاننداری و بی‌نشانی نظریه نشاننداری در اصل به آثار تروبتسکوی^۳ (۱۹۳۱) و یاکوبسون^۴ (۱۹۵۸) برمی‌گردند که در مباحث واج‌شناسی مطرح شده‌اند (Croft, 2003:87).

1. signifier

2. signified

3. Trubetzkoy, N.

4. Jakobson, R.

۲-۳. تصریف و ارزش‌های تصریفی

صورت‌های تصریفی دارای ارزش تصریفی^۱ هستند. به عنوان مثال، فعل “walk” که زمان آن حال ساده است، ارزش تصریفی حال دارد و فعل “walked” که زمان آن گذشته ساده است، ارزش تصریفی گذشته دارد. از دیدگاه زبان‌شناسان، ارزش‌های تصریفی معنای متفاوتی ایجاد نمی‌کنند. مثلاً تفاوت دو فعل “walk” و “walks” فقط مرتبط با سوم شخص بودن فعل دوم است و این دو تفاوت معنایی ندارند (Haspelmath & Sims, 2010: 81).

جدول (۱) ارزش‌ها و ویژگی‌های تصریفی را در زبان‌های دنیا نمایش می‌دهد (Haspelmath & Sims, 2010: 81).

جدول ۱. ارزش‌ها و ویژگی‌های تصریفی

صفت، ضمیر اشاره، ضمیر موصولی و پس‌افزافه	فعل	اسم و ضمیر
شمار (مفرد، جمع، ...)	شمار (مفرد، جمع، ...)	شمار (مفرد، جمع، ...)
حالت (فاعلی، مفعولی، ...)	شخص (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص)	حالت (فاعلی، مفعولی، ...)
جنسیت (مذکر، مؤنث، ...)	زمان (حال، آینده، گذشته، ...)	جنسیت (مذکر، مؤنث، ...)
شخص (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص)	نمود (نمود کامل، نمود ناقص، ...)	شخص (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص)
-----	وجه (وجه اخباری، وجه التزامی، وجه امری، ...)	-----

در این مقاله نشانه‌های تصریفی در هر یک از زبان‌های فارسی و انگلیسی بر اساس این جدول شناسایی و طبقه‌بندی می‌شوند. به عبارتی نشانه‌های تصریفی شمار در اسم، نشانه‌های

1. inflectional value

تصریفی شمار، شخص، زمان، نمود و وجه در فعل، و نشانه تصریفی صفت براساس نظریه صرف طبیعی بررسی می‌شوند.

۲-۴. تکواژ و تکواژهای تصریفی

تکواژهای وابسته به تنهایی کاربرد ندارند و در واحد بزرگتری به کار گرفته می‌شوند تا معنا به آنها اختصاص یابد (Yule, 2010:85). تکواژهای تصریفی هنگام ترکیب با واحدی بزرگتر باعث تغییر معنای واژگانی مقوله آن نمی‌شوند، بلکه نقش دستوری خاصی به آن می‌دهند. مثلاً در زبان انگلیسی "thin" و "thinner" هر دو صفت هستند و پسوند "er" یک پسوند تصریفی است که نوع دیگری از صفت را شکل می‌دهد.

۳. پیشینه پژوهش

حق‌بین و کوشکی (۱۳۹۴: ۱۰۵) در مقاله خود به پنج سطح زبانی از دیدگاه صرفیون اشاره کرده‌اند: سطح جهانی‌های زبان^۱، سطح انواع زبان‌ها^۲، سطح توانش خاص یک زبان^۳، سطح هنجارها^۴ و سطح کنش‌های بیانی^۵. نظریه صرف طبیعی به سه سطح نخست توجه دارد. مایرتالر و درسler (۱۹۷۸) بیان کرده‌اند اگر زبانی به لحاظ ساختاری و تصویری دارای دو اصل وحدت شکلی و شفافیت باشد، کاملاً طبیعی است. قلی پور و کاظمی (۱۴۰۱) به بررسی شفافیت وندهای تصریفی فارسی و انگلیسی بر اساس نظریه صرف طبیعی پرداخته و نشان داده‌اند که مطابق این نظریه، اصل شفافیت در فارسی در مورد وندهای تصریفی متعلق به اسم و فعل و در انگلیسی، در مورد دو مقوله اسم و صفت بیشتر از مقوله‌های دیگر است. این پژوهش نشان داده است که میان اصل شفافیت و بسامد وقوع وند رابطه مستقیمی وجود ندارد. درسler و همکاران (۱۹۷۸) افزوده‌اند که واحد مطالعه در نظریه صرف طبیعی، واژه و یا به طور دقیق‌تر، صورت انتزاعی واژه^۶ است. آنها معتقدند که ساختار صرف طبیعی سلسله‌مراتبی و قیاسی است. درسler (۲۰۰۵: ۷) با اعمال ملاک‌های تعیین طبیعی بودن زبان،

1. the level of linguistic universals
2. the level of language types
3. the level of language-specific competence
4. the level of norms
5. the level of locutionary acts
6. lexeme

به مقایسه فراگیری زبان کودک و ساخت‌واژه در زبان‌های ترکیبی^۱، منفرد^۲ و پیوندی^۳ اسکالیکا^۴ پرداخته است. به عقیده وی، رده‌شناسی فراتر از مقایسه بین‌زبانی و متفاوت از مطالعات جهانی‌ها است. برای اثبات این ادعا، وی پیوندی میان شواهد برونی^۵ یعنی فراگیری زبان اول و نظریه رده‌شناسی زبان پدید آورد. در زبان‌های پیوندی، پسوند‌های خرد^۶ متعلق به مقوله‌هایی هستند که از لحاظ واژارایی^۷ شفاف‌تر هستند. در واقع، شفافیت فراگیری را تسریع می‌بخشد و کودکانی که زبان‌های پیوندی را فرا می‌گیرند تمایل بیشتری به تعمیم افراطی^۸ در کاربرد الگوهای شفاف دارند.

بیلی^۹ (۲۰۰۷) به بررسی زبان پیپوکو^{۱۰} بر اساس نظریه صرف طبیعی پرداخته است. زبان پیپوکو زبانی پیوندی است و در مناطقی از کلمبیا صحبت می‌شود. در ابتدا وی اشاره کرده است که نظریه صرف طبیعی به رابطه میان تکواژها و معنای آنها می‌پردازد و رفتار ساخت‌واژی را بررسی می‌کند. این رفتار باید در زبان‌های جهان گسترده باشد؛ در زبان‌های خاص فراوان باشد؛ در مقابل تغییرات مقاوم باشد و در مراحل اولیه توسط کودکان فراگرفته شود. وی می‌افزاید که می‌توان برای صرف سه نقش عمده قائل شد: واژه‌سازی، تصریف^{۱۱} و استخراج معنای اشتقاق^{۱۲} از ریشه آن. او پس از بررسی تکواژهای تصریفی و اشتقاقی این زبان نشان می‌دهد که این وندها وحدت شکلی دارند، چرا که بازنمایی‌کننده اصل یک نقش - یک صورت‌اند. در واقع، وحدت شکلی یک اصل جهانی است و زبان‌ویژه نیست (Bailey, 2007: 43).

گائیتا^{۱۳} (۲۰۱۸: ۲۵۱) در جستار خود به تحلیل و تفسیر صرف طبیعی پرداخته است و یادآور شده است که این نظریه بسیار مهم توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده

-
1. synthetic
 2. isolating
 3. agglutinating
 4. Skalicka
 5. external evidence
 6. diminutives
 7. morphotactic
 8. overgeneralization
 9. Bailey, C.
 10. Piopoco
 11. inflection
 12. derived word
 13. Gaeta, L.

است. دلیل این توجه انعطاف‌پذیری بالای این نظریه و نیز ظرفیتی است که ایجاد می‌کند و پاسخ‌هایی مجادله‌برانگیز به سؤالات ارائه می‌دهد. به باور وی، این نظریه مفید است، چرا که تفاوت عناصر مختلفی از قبیل شفافیت و بسامد را به طور دقیق مشخص می‌کند. شفافیت یکی از عناصر تعیین طبیعی بودن زبان است، حال آن که بسامد نتیجه طبیعی بودن زبان است. همچنین، انعطاف‌پذیری صرف طبیعی در پررنگ کردن نقش ساخت‌واژه بسیار مؤثر است.

۳. روش پژوهش

تحقیق حاضر پژوهشی توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها با حجم یکسان به شیوه کتابخانه‌ای و نمونه‌گیری تصادفی از دو پیکره فارسی و انگلیسی گردآوری شده‌اند. پیکره انگلیسی از پایگاه «پیکره انگلیسی آمریکایی معاصر»^۱ (۲۰۲۱) و پیکره فارسی از «پایگاه دادگان فارسی»^۲ فراهم شده است. حجم داده‌ها در هر یک از پیکره‌ها یکسان است و در مجموع تعداد کلمه‌ها در هر دو پیکره، ۴۰۰۰ عدد است. بخشی از داده‌ها به صورت تصادفی از نیمه اول پیکره و بخش دیگر از نیمه دوم پیکره استخراج شده‌اند. داده‌های زبان‌های فارسی و انگلیسی در پایگاه داده‌ها به صورت واژه و جمله دسته‌بندی شده‌اند. واژه‌ها با مقولات دستوری متفاوت مانند اسم، فعل، صفت، قید و سایر اجزای سخن در پیکره وجود دارند. نگارندگان نشانه‌های تصریفی هر یک از زبان‌های فارسی و انگلیسی را بر اساس جدول هسپلمث و سیمز^۳ (۲۰۱۰) استخراج کرده و پس از دسته‌بندی، آنها را بر پایه سازوکارهای نظری موجود در رویکرد صرف طبیعی طبق دیدگاه مایرتالر و درسلر (۱۹۷۸) تحلیل و بررسی نموده‌اند. بدین صورت که فهرستی کامل از واژه‌های دارای وندهای تصریفی فارسی و انگلیسی - که تقریباً متعلق به یک برهه زمانی هستند - از پیکره‌ها گردآوری شده و سپس مورد تحلیل و بررسی گرفته‌اند. محتوای پیکره‌ها متون ادبی داستانی است که شامل زبان نوشتاری و نیز محاوره‌ای می‌شود. بنابراین، علاوه بر تحلیل کیفی، تحقیق به صورت کمی نیز پیش رفته و با بررسی قیاسی دو زبان، اطلاعات جامعی پیرامون ملاک‌های طبیعی بودن زبان از جمله وحدت شکلی به دست آمد.

1. Corpus of Contemporary American English (COCA)

2. Persian Language Data Base (PLDB)

3. Haspelmath, M., & Sims, A. D

۴. یافته‌ها

در این قسمت، ابتدا تمامی نشانه‌های تصریفی در هر دو زبان جمع آوری و سپس، بر اساس جدول هسپلمث و سیمز (2010) طبقه‌بندی شدند. در قدم بعدی، داده‌ها از منظر رویکرد مایرتالر و درسلر (1978) و با توجه به بسامد وقوع در پیکره مورد بررسی قرار گرفتند.

۴-۱. نشانه‌های تصریفی ساز در زبان فارسی

در زیربخش‌های زیر به معرفی نشانه‌های تصریفی ساز در زبان فارسی پرداخته می‌شود:

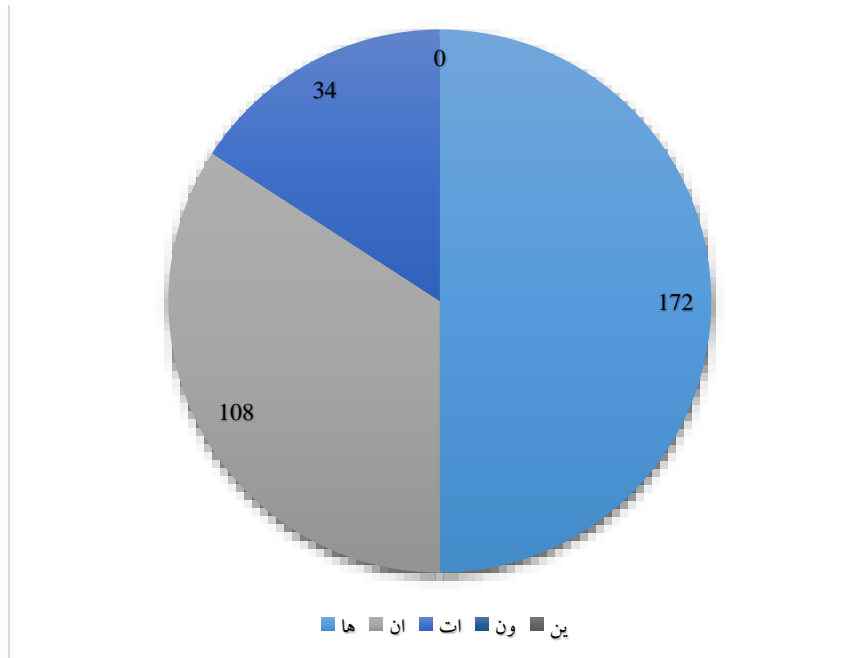
۴-۱-۱. نشانه‌های تصریفی اسم ساز /-an/ و /-ha/

اسم مفرد می‌تواند با افزودن نشانه‌های تصریفی «شمار» به اسم جمع تبدیل شود. بر اساس داده‌ها می‌توان گفت نشانه‌های جمع در زبان فارسی به دو دسته قابل تقسیم‌اند: نشانه‌های جمع در زبان فارسی دووند تصریفی /-ha/ «ها» و /-an/ «ان» (مانند «روزها» و «مادران») و نشانه‌های وام‌گیری شده از زبان عربی /-un/ «ون»، /-in/ «ین» و /-at/ «ات» هستند (مانند «سیاسیون»، «موافقین» و «ادارات»). صورت دیگری نیز وجود دارد که ریشه عربی دارد و جمع مکسر نامیده می‌شود، مانند «ضعفا». بر اساس دیدگاه درسلر و مایرتالر (1978)، مقولاتی به طور کامل وحدت شکلی دارند که منطبق بر اصل یک نقش — یک صورت باشند. طبق نظریه صرف طبیعی، مقوله جمع تنها از طریق افزودن پسوند «-ها» بیان نمی‌شود، بلکه وندهای تصریفی دیگری نیز در این امر دخالت دارند. با این حال، این وندها از بسامد بالایی برخوردار است که این مسأله می‌تواند نقش بسزایی در تقویت یا تضعیف این ملاک داشته باشد. ۱۷۲ مورد وندهای تصریفی «ها» در پیکره دیده شد، نمونه‌هایی مانند «روش‌ها»، «سفرها» و «فصل‌ها». با توجه به پیکره فارسی، وندهای تصریفی «ان» که مانند «ها» ریشه در زبان فارسی دارد، نیز در ساخت مقوله جمع در زبان فارسی دخیل است و بسامد آن نسبت به «ها» کمتر است. با عنایت به سازوکارهای نظری رویکرد درسلر و مایرتالر (۱۹۷۸)، این نشانه‌های تصریفی جمع ساز فارسی فاقد وحدت شکلی هستند. نمونه‌هایی از «ان» جمع ساز در واژه‌هایی مانند «نگهبانان»، «مادران» و «جوانمردان» در پیکره فارسی یافت شد.

۴-۱-۲. نشانه‌های تصریفی ساز /-at/ «-ات»، /-un/ «-ون» و /-in/ «-ین»

نشانه تصریفی /-at/ «-ات» ریشه در زبان عربی دارد. صورت مفرد واژه‌هایی از قبیل «اختلافات» و «خاطرات» می‌توانند با «-ها» نیز جمع بسته شوند و صورت‌های «اختلاف‌ها» و «خاطره‌ها» را ایجاد کنند. وندهای تصریفی عربی دیگری که در زبان فارسی استفاده می‌شوند، یعنی /-in/ «-ین» (مثلاً در «ساکنین») و /-un/ «-ون» (مثلاً در «انقلابیون») نیز مفهوم جمع دارند و این خود نشان می‌دهد که براساس سازوکار نظری درس‌لر و مایرتالر (۱۹۷۸) وندهای تصریفی جمع‌ساز عربی ملاک وحدت شکلی را نقض کرده‌اند. لازم به ذکر است که این دو وندها در پیکره یافت نشدند. بر اساس مفاهیم رویکرد صرف طبیعی و بر اساس آنچه که درس‌لر و مایرتالر (۱۹۷۸) بدان معتقدند، پدیده وام‌گیری در اینجا طبیعی بودن زبان فارسی را تهدید کرده است، چرا که این پدیده ملاک وحدت شکلی را تحت تأثیر قرار داده و از درجه وحدت شکلی مفهوم جمع در زبان فارسی کاسته است. می‌دانیم وام‌گیری واژه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است و می‌توان وندهای تصریفی جمع‌ساز «-ها» را به واژه‌های زبان فارسی و اکثر واژه‌های عربی که وارد زبان فارسی شده‌اند، افزود. همانطور که درس‌لر و مایرتالر (۱۹۷۸) می‌گویند، نظام‌های صرفی زبان‌های دنیا تمایل دارند که از اصولی چون وحدت شکلی تبعیت کنند تا صرفی طبیعی داشته باشند، اما در اینجا در خصوص نشانه‌های تصریفی «اسم» شاهد نقض این امر بودیم. وندهای تصریفی جمع‌ساز فاقد وحدت شکلی هستند و نشاندارند و از آنجاییکه بسامد بالایی نیز دارند، بیشتر به طبیعی بودن زبان فارسی لطمه وارد می‌کنند. در نمودار (۱) ارقام مربوط به نشانه‌های تصریفی «اسم» را مشاهده می‌کنیم. همانطور که در نمودار (۱) مشخص است، بیشترین وندهای تصریفی موجود در پیکره به ترتیب «-ها» (۱۷۲ مورد) و «-ان» (۱۰۸ مورد) هستند. وندهای تصریفی «-ات» کمتر مشاهده شد (۳۴ مورد) و دو وندهای «-ین» و «-ان» مشاهده نشدند.

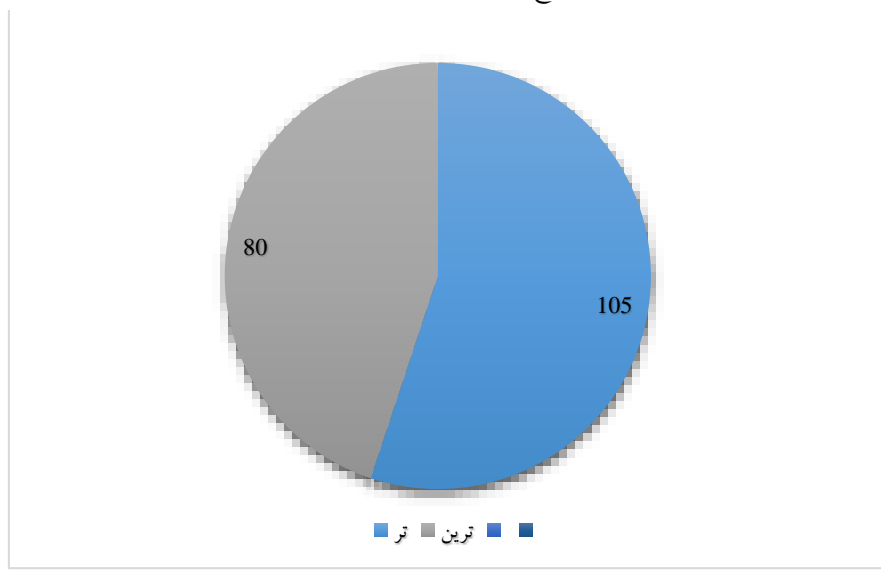
نمودار ۱. بسامد وقوع نشانه‌های تصریفی «اسم» در پیکره فارسی



۳-۱-۴. نشانه‌های تصریفی /-tar/ «-تر» و /-tarin/ «-ترین»

در زبان فارسی، مفهوم صفت تفضیلی باوند /-tar/ «-تر» (مانند «دقیق‌تر» و «نرم‌تر») و مفهوم صفت عالی باوند /-tarin/ «-ترین» (مانند «زیباترین» و «پارساترین») بیان می‌شوند. وند تصریفی «-تر» در پیکره فارسی، تنها وندی است که مفهوم صفت تفضیلی را بیان می‌کند. به علاوه، وند تصریفی «-ترین» نیز تنها وندی است که در ساخت صفت عالی به کار می‌رود. از این رو، صفات تفضیلی و عالی در زبان فارسی وحدت شکلی دارند و این دو مفهوم کمتر نشاندار محسوب می‌شوند. بنابراین، این دو پسوند دو ویژگی وحدت شکلی و بی‌نشانی را دارا هستند و در طبیعی بودن زبان فارسی نقش بسزایی دارند. در نمودار (۲) بسامد وقوع نشانه‌های تصریفی صفت در پیکره فارسی نمایش داده شده است:

نمودار ۲. بسامد وقوع نشانه تصریفی «صفت» در پیکره فارسی



بر اساس نمودار (۲)، بسامد وند تصریفی صفت تفضیلی ساز ۱۰۵ مورد است که بیشتر از وند تصریفی صفت عالی ساز (با ۸۰ مورد) است.

۴-۱-۴. نشانه تصریفی قیدساز /-tar/ «-تر»

قید چگونگی انجام فعل را بیان می کند. قیده‌های ساده از یک تکواژ تشکیل شده‌اند (مانند «هرگز»)، اما قیده‌های مرکب از دو یا چند تکواژ مستقل و وابسته تشکیل شده‌اند، مانند «بادب»، «زیرکانه»، «سریعتر». در ساخت قیده‌های مرکب اصولاً از وندهای اشتقاقی استفاده می شود و تنها وند تصریفی که در این ساخت دخالت دارد نشانه تصریفی /-tar/ «-تر» است، مانند «آرام‌تر» در جمله «آرام‌تر حرکت کن». بنابراین، در ساخت این محتوا بیش از یک صورت به کار گرفته شده است و بر اساس نظریه صرف طبیعی، اصل یک نقش - یک صورت نقض شده است. بنابراین، ملاک وحدت شکلی مختل شده و طبیعی نیست.

۴-۱-۵. شناسه‌های فعل: /-am/ «م»، /-i/ «ی»، /-Ø/ «د»، /-ad/ «د»، /-im/ «یم»
/id/ «ید»، /-and/ «ند»

شناسه‌های فعلی، شمار و شخص را در فعل تعیین می‌کنند و نشانه‌هایی تصریفی هستند که به بن ماضی در زمان گذشته و بن مضارع در زمان حال یا آینده ضمیمه می‌شوند. با توجه به داده‌های موجود در پیکره فارسی، مشاهده می‌کنیم که برای بیان مفهوم شمار و شخص در افعال ماضی و مضارع وندهای /-am/ «م»، /-i/ «ی»، /-Ø/ «د»، /-ad/ «د»، /-im/ «یم»، /-id/ «ید»، /-and/ «ند» به کار می‌روند، مانند «رفتم»، «رفتی»، «رفت»، «رفتیم»، «رفتید» و «رفتند». البته شناسه سوم شخص مفرد در دو زمان ماضی و مضارع متفاوت است. در زمان ماضی، شناسه سوم شخص مفرد صفر است و نمود آوایی ندارد، اما شناسه سوم شخص مفرد در زمان مضارع «د» است، مانند «بگیرد». این شناسه‌ها در فعل‌های التزامی، اخباری، استمراری، گذشته و نفی مشاهده می‌شوند و از این رو، بسامد کاربرد بالایی دارند. با بررسی و تحلیل پیکره فارسی مشخص شد که نشانه‌های شناسه‌ساز فعلی تنها نشانه‌های تصریفی هستند که مفهوم شمار و شخص را بیان می‌کنند و نشانه دیگری این نقش را برعهده ندارد. بنابراین، براساس سازوکار درس‌لر و مایرتالر (1978) این نشانه‌ها وحدت شکلی دارند. هرچه وحدت شکلی بیشتر باشد، بی‌نشانی نیز بیشتر است و این مسأله منجر به طبیعی بودن زبان می‌شود.

۴-۱-۶. نشانه‌های تصریفی ماضی ساز /-t/ «ت»، /-d/ «د»، /-id/ «ید» و /-ad/ «اد»

فعل در زبان فارسی از بن‌های ماضی و مضارع ساخته می‌شود. ماضی ساده به پسوندهای /-t/ «ت»، /-d/ «د»، /-id/ «ید» و /-ad/ «اد» ختم می‌شود و سپس، شناسه فعلی بدان اضافه می‌شود. در این مورد، نمونه‌هایی از قبیل «فرستاد»، «ریخت»، «شد» و «کشید» از پیکره استخراج شده‌اند. وندهای تصریفی که در انتهای فعل‌های گذشته قرار دارند، در پیکره فارسی تنها نشانه‌های تصریفی هستند که نقش و مفهوم ماضی ساز دارند. بنابراین، بر اساس نظریه صرف طبیعی، این پسوندها ملاک وحدت شکلی را رعایت کرده‌اند و منجر به طبیعی بودن این نشانه‌ها شده‌اند؛ اگرچه این نشانه‌ها دارای واژگونه‌هایی - مانند آنچه در

فعل «پرداخت» مشاهده می‌شود - نیز هستند. اگر توجیهاات واجی و آوایی در سلر و مایرتالر (1978) را در این مبحث در نظر بگیریم، همچنان می‌توان پذیرفت که این نشانه‌های تصریفی وحدت شکلی دارند و این مسأله بیانگر بی‌نشان بودن آنها و طبیعی بودن زبان فارسی است.

۷-۱-۴. نشانه تصریفی /-mi/

فعل مضارع یا حال اخباری، عملی را بیان می‌کند که در زمان حال یا آینده اتفاق می‌افتد. فعل ماضی استمراری وقوع عملی را به طور مستمر در زمان گذشته بیان می‌کند، مانند «می‌ترسید» و «می‌ترسیدم». داده‌ها نشان می‌دهند که این تنها نشانه تصریفی /-mi/ «می» است که در ساخت مفاهیم اخباری و استمراری نقش دارد و این خود مؤید اصل یک نقش - یک صورت است. بنابراین، با عنایت به مفاهیم بیان‌شده در نظریه صرف طبیعی، وحدت شکلی رعایت شده است. در نتیجه، میزان طبیعی بودن این پیشوند ثابت می‌شود که خود منجر به افزایش طبیعی بودن زبان فارسی می‌شود. لازم به ذکر است که نشانه تصریفی «می» تنها صورتی نیست که در ساخت زمان آینده استفاده می‌شود، بلکه می‌توان از صرف بن «خواه» (مانند «خواهم رفت») نیز به منظور ساخت فعل آینده استفاده کرد. لذا، از تکرار واژگانی نیز می‌توان برای بیان این محتوا استفاده کرد. از آنجا که بسامد «می» اخباری نسبت به «می» آینده و استمراری بیشتر است، می‌توان بیان کرد که مفهوم اخباری نسبت به مفهوم استمراری بی‌نشان‌تر و طبیعی‌تر است.

۸-۱-۴. شناسه‌ها در نمود کامل و نشانه /-mi/ «می» در نمود ناقص

نمود نحوه تحقق فعل است؛ اینکه آیا عمل به صورت لحظه‌ای انجام شده است یا مستمر. نمود یا کامل است یا ناقص. تعداد نمودهای کامل در پیکره ۱۲ مورد است. این فعل‌ها دارای شناسه‌هایی در انتها هستند که تنها نشانه‌های تصریفی برای ساخت این نقش محسوب می‌شوند و در نتیجه، وحدت شکلی در این موارد رعایت می‌شود. نمود ناقص در زبان فارسی به تداوم جریان عمل و یا تکرار آن اشاره می‌کند. تداوم جریان عمل در پیکره فارسی به میزان اندکی (۱۲ مورد) یافت شد، مانند «دارم درس می‌خوانم». تکرار عمل نشان‌دهنده عادت است و این نمود نیز در پیکره فارسی به میزان اندکی (۱۴ مورد) یافت شد، مانند «هرشب سیگار می‌کشید».

در بحث نمود ناقص، «می-» بر اساس رویکرد صرف طبیعی وحدت شکلی دارد، چرا که این نقش تنها با همین نشانه بیان می‌شود. داشتن وحدت شکلی معرف بی‌نشانی این مقوله نیز است.

۹-۱-۴. نشانه تصریفی /be-/ «ب»

در زبان فارسی پنج وجه وجود دارد: وجه اخباری، وجه امری، وجه التزامی، وجه شرطی و وجه تمنایی. در ساخت تمامی این وجه‌ها، به جز وجه اخباری، از نشانه تصریفی «ب» در ابتدای فعل استفاده می‌شود. در زبان فارسی در افعالی مانند «بپرد»، «بگوید» و «بگیریم» وند «ب» ضمیمه بن مضارع شده و وجه التزامی پدید آمده که بیانگر زمان حال و آینده است. در افعالی مانند «برو» و «بگو» وند «ب» ضمیمه بن مضارع شده است و حاصل آن وجه امری است. در فعل «برو» پیشوند «ب» به دلیل فرایند واجی هماهنگی واکه‌ای^۱ به صورت /bo/ به کار می‌رود. طبق آنچه درس‌ر و مایرتالر (1978) بیان می‌کنند، این امر را نمی‌توان عاملی در مخدوش شدن نظام صرفی زبان فارسی در نظر گرفت، بلکه می‌توان /bo-/ را واجگونه^۲ «ب» دانست، نه یک وند تصریفی متفاوت. تعداد فعل‌های امر در پیکره بسیار محدود بود. وجه شرطی برای توصیف وضعیتی به کار می‌رود که رخ دادن آن منوط به تحقق شرط باشد، برای مثال «اگر بابا اجازه بدهد، می‌روم».

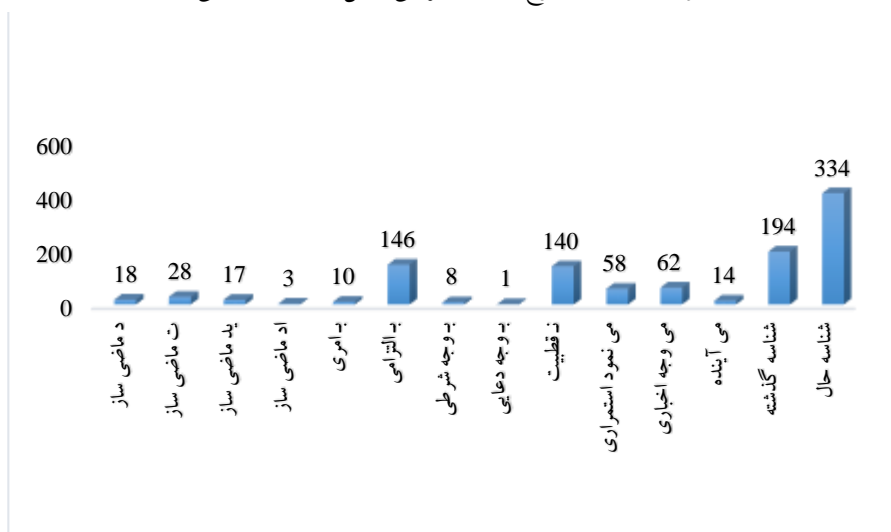
وجه دعایی وجهی است که در آن دعا، آرزو و نفرینی مطرح می‌شود که تنها نمونه این وجه در پیکره «آرزو می‌کنم موفق بشوی» بود. در ساخت وجه دعایی نیز از وجه التزامی و تنها از پیشوند تصریفی «ب» استفاده می‌شود. مشاهده می‌کنیم که پیشوند «ب» تنها پیشوندی است که دارای نقش‌های امری، التزامی، شرطی و دعایی است و نشانه دیگری این نقش‌ها را برعهده ندارد. از این رو، در این مورد بر اساس نظریه صرف طبیعی، ملاک وحدت شکلی مخدوش نشده و به طبیعی بودن زبان آسیبی وارد نشده است. از آنجا که وند تصریفی «ب» دارای وحدت شکلی است و از بسامد بالایی برخوردار است، بی‌نشان است و در نتیجه، منجر به طبیعی بودن زبان فارسی می‌شود. در مقام مقایسه وند «ب» مشاهده می‌کنیم که بسامد وجه التزامی بیشتر از وجه‌های دیگر است، لذا نسبت به وجه‌های دیگر بی‌نشان‌تر است.

1. vowel harmony
2. allophone

۴-۱-۱۰. نشانه‌تصریفی منفی ساز /-ne/ «ن»

وند تصریفی «ن» در ساخت افعال منفی در تمام زمان‌ها، اعم از گذشته، حال و آینده نقش دارد و به ابتدای بن‌های ماضی یا مضارع می‌چسبد، سپس شناسه فعل بدان اضافه می‌شود، مانند «ندارم» و «نمی‌شناسد». وند تصریفی «ن» در ساخت مفهوم نهی نیز به معنای بازداشتن کسی از کاری عمل می‌کند. نشانه‌تصریفی «ن» تنها صورتی است که مفهوم نفی دارد و این امر بیانگر رعایت ملاک وحدت شکلی است. برای ساخت فعل نهی گاهی از وند تصریفی «م» نیز استفاده می‌شود، به ویژه در متون ادبی اعم از نظم و نثر، مانند «مرو». این صورت، رفته‌رفته در طول تاریخ و در گذر زمان تبدیل به «ن» شده است. بنابراین، بر اساس رویکرد درس‌لر و مایرتالر (1978) می‌توان «م» را واجگونه «ن» دانست، نه یک وند تصریفی متفاوت. لذا، بر اساس معیارهای نظریه صرف طبیعی، ملاک وحدت شکلی رعایت شده است که منجر به بی‌نشانی می‌شود. در نمودار (۳) بسامد نشانه‌های تصریفی فعل فارسی به صورت نمودار میله‌ای نمایش داده شده است.

نمودار ۳. بسامد وقوع نشانه‌تصریفی «فعل» در زبان فارسی



نمودار (۳) نشان می‌دهد که بسامد برخی وندهای فعلی نسبت به وندهای دیگر بیشتر است. همانطور که دیده می‌شود، شناسه‌های فعلی بیش از وندهای تصریفی دیگر در پیکره

یافت شده‌اند که تعداد آنها ۳۳۴ مورد است. در مقابل، وجه دعایی تنها یک بار در پیکره فارسی مشاهده شد.

۲-۴. نشانه‌های تصریفی در زبان انگلیسی

در این بخش، نشانه‌های تصریفی زبان انگلیسی را بر اساس دیدگاه صرف طبیعی درس‌لر و مایرتالر (1978) مورد بررسی قرار می‌دهیم و پیکره را از این منظر محک می‌زنیم.

۱-۲-۴. نشانه تصریفی اسم ساز s-

در زبان انگلیسی اسامی جمع به دو صورت بیان می‌شوند: صورت جمع باقاعده، مانند "years" و صورت جمع بی‌قاعده، مانند "women". در مورد اسامی بی‌قاعده زبان انگلیسی، قوانین خاصی وجود ندارد و این صورت‌ها غالباً به واسطه وام‌گیری از زبان لاتین وارد انگلیسی شده‌اند. در ساخت اسامی جمع باقاعده تنها از نشانه تصریفی "s-" استفاده می‌شود. نمونه‌هایی از این وند تصریفی از پیکره انگلیسی استخراج شده است، مانند "affairs"، "films" و "shots". بنابراین، با عنایت به داده‌های پیکره انگلیسی، مقوله جمع در انگلیسی تنها از طریق افزودن وند "s-" ساخته نمی‌شود، بلکه برخی از اسامی بی‌قاعده هستند و در چنین مواردی، تکواژ تصریفی در واژه تلفیق می‌یابد؛ به صورتی که دیگر از آن قابل تفکیک نیست. این فرایند، هم‌جوشی یا امتزاج^۱ خوانده می‌شود. بر اساس اصل یک نقش — یک صورت، این نشانه تصریفی وحدت شکلی ندارد و بدین ترتیب، کاهنده میزان طبیعی بودن نظام صرفی زبان انگلیسی است.

۲-۲-۴. نشانه تصریفی ملکی 's-

یکی از راه‌های بازنمایی ساخت اضافی در زبان انگلیسی پیونده^۲ است که از طریق نشانه تصریفی "'s" بیان می‌شود. پیونده نشانه‌ای است که فاقد نقشی معنایی است؛ تنها نقش دستوری دارد و ساخت اضافی یا ملکی را می‌سازد (Croft, 2003: 38)، مانند Kerry's face و voice.

1. fusion
2. linker

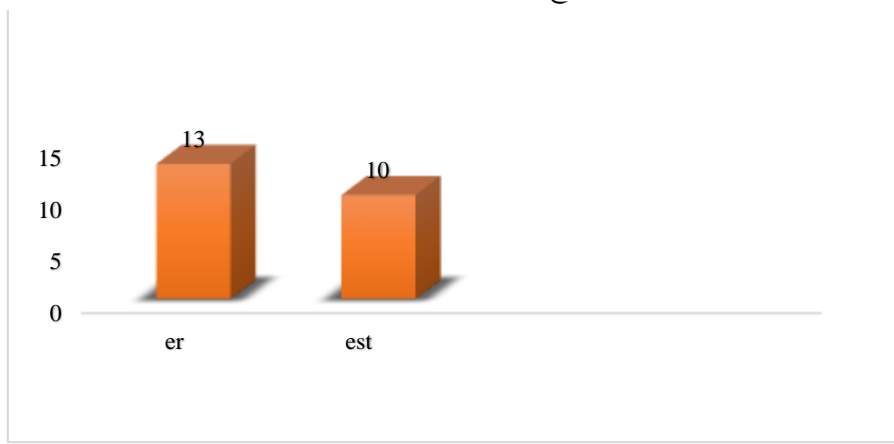
با بررسی پیکره زبان انگلیسی مشخص شد که این نشانه تصریفی، تنها نشانه دال بر مالکیت نیست، بلکه این نقش از طرق دیگر نیز تحقق می‌یابد که تصریفی نیستند: راهبرد پرکنش^۱، مانند my house، راهبرد حرف اضافه^۲، مانند first night of winter، راهبرد پیونده و حرف اضافه، مانند a book of Jan's و راهبرد پرکنش و حرف اضافه، مانند a house of mine (Croft, 2003: 42). بنابراین، بر اساس سازوکارهای رویکرد درسلر و مایرتالر (1978)، این وضعیت نشانگر نبود وحدت شکلی است. بسامد کاربرد وند تصریفی پیونده در پیکره انگلیسی ۱۹ مورد است.

۴-۲-۳. نشانه‌های تصریفی صفت‌ساز -er و -est

در زبان انگلیسی وند تصریفی "er" به صفت ساده افزوده می‌شود و صفت تفضیلی حاصل می‌آید، مانند thinner و bigger. صورت‌هایی نیز وجود دارند که هیچ شباهت آوایی بین صفت مطلق و شکل تفضیلی‌شان وجود ندارد، مانند صفت مطلق good که صفت تفضیلی آن better است. چنین فرایندی که باعث ایجاد صفات بی‌قاعده و صورت‌های مکمل می‌شود، پرکنش نام دارد که می‌تواند کامل^۳ یا جزئی^۴ باشد. بنابراین، مقوله صفت برتر فاقد وحدت شکلی است که این مسأله نیز از درجه طبیعی بودن زبان انگلیسی می‌کاهد. صفت عالی در زبان انگلیسی قواعدی مشابه به قواعد صفت تفضیلی دارد، یعنی صفاتی تک‌هجایی که پسوند -est -ضمیمه آنها می‌شود، مانند largest و nearest. در صفات عالی بی‌قاعده (مانند good/best) نیز میان صفت مطلق و عالی شباهت صوری وجود ندارد و در شکل‌گیری آنها شاهد رخداد فرایند همجوشی یا امتزاج هستیم. بنا بر اصل وحدت شکلی درسلر و مایرتالر (1978)، این مقوله دارای یک صورت نیست و در نتیجه، طبیعی بودن زبان انگلیسی را مخدوش کرده است. نبود وحدت شکلی، نشاننداری را پررنگ می‌کند و این مسأله نقش چشمگیری در کاهش طبیعی بودن زبان دارد. در نمودار (۴) بسامد وقوع نشانه‌های تصریفی صفت در زبان انگلیسی به تصویر کشیده شده است:

-
1. suppletion
 2. adposition
 3. total suppletion
 4. partial suppletion

نمودار ۴. بسامد وقوع نشانه تصریفی «صفت» در پیکره انگلیسی



نمودار (۴) نشان می‌دهد که تعداد محدودی از وند تصریفی تفضیلی ساز -er (۱۳) مورد) و وند تصریفی صفت عالی ساز -est (۱۰ مورد) در پیکره انگلیسی یافت شده است.

۴-۲-۴. نشانه تصریفی فعل ساز -s

در زبان انگلیسی، با توجه به زمان وقوع عمل شمار مشخص می‌شود و ضمیر نیز مشخص کننده شخص است. در زمان حال ساده، شمار و شخص بدین صورت بیان می‌شوند:

1. I want /We want /You want/ You want/ he/she/it wants/ They want

همانطور که در مثال‌های فوق مشاهده می‌کنیم، برای بیان شمار در اول شخص مفرد و جمع، دوم شخص مفرد و جمع و نیز سوم شخص جمع نیاز به وندافزایی نیست. از سوی دیگر، در تصریف سوم شخص مفرد، برای بیان مفاهیم مفرد و سوم شخص بودن از وند تصریفی -s استفاده می‌شود. در ادامه، چند نمونه از فعل‌های سوم شخص مفرد پیکره پژوهش که پسوند -s دارند را مشاهده می‌کنیم:

2. studies, provides, goes, states

در توضیح بحث ملاک وحدت شکلی مشخص می‌شود که بر اساس پیکره پژوهش حاضر، نشانه تصریفی -s، تنها صورتی است که مفهوم سوم شخص مفرد را نشان می‌دهد و این‌وند وحدت شکلی و طبیعی بودن زبان انگلیسی را تقویت کرده است.

۴-۲-۵. نشانه تصریفی گذشته‌ساز -ed

فعل در زبان انگلیسی از ریشه فعل ساخته می‌شود و با توجه به زمان فعل، از وند و یا فعل کمکی استفاده می‌شود. فعل‌های زمان گذشته در زبان انگلیسی به دو روش ساخته می‌شوند. افعال بی‌قاعده که بدون قاعده خاصی ساخته می‌شوند (مانند buy/bought) و فعل‌های بی‌قاعده که با افزودن نشانه تصریفی -ed به ریشه فعل تبدیل به فعل گذشته می‌شوند، مانند started, decided, moved. با عنایت به نمونه‌های پیکره انگلیسی، مشاهده شد که در ساخت نقش و مفهوم فعل گذشته، علاوه بر افزودن نشانه تصریفی -ed که حاصل آن فعل‌های باقاعده گذشته است، نشانه‌های تصریفی دیگری نیز در ساخت این مفهوم دخالت دارند. منتها این نشانه‌ها چنان در ریشه فعل ترکیب شده‌اند که قابل تفکیک نیستند و در حقیقت نوعی امتزاج و همجوشی رخ داده است. بنابراین، نشانه‌های تصریفی که مفهوم گذشته‌ساز دارند اصل یک نقش – یک صورت را رعایت نکرده‌اند و در این موارد ملاک وحدت شکلی مختل شده است و این نشانه‌ها مقوله‌ای نشاندار محسوب می‌شوند. در ساخت فعل آینده از فعل کمکی will استفاده می‌شود و وندافزایی انجام نمی‌گیرد، بنابراین از توصیف آن صرف نظر می‌کنیم. قابل ذکر است که برای ساخت زمان آینده از ساختار be going to نیز استفاده می‌شود که بدان وند -ing اضافه شده است که یک وند تصریفی است. در بخش نمود به این نکته اشاره خواهد شد.

۴-۲-۶. نشانه تصریفی نمودساز -en

نمود در زبان انگلیسی به دو دسته کامل و ناقص تقسیم می‌شود. نمود کامل که شامل حال کامل و گذشته کامل می‌شود، بدین صورت ساخته می‌شود:

(۳)

الف) حال کامل: have/has + past participle مانند:

He has decided recently.

ب) گذشته کامل: had + past participle مانند:

They had already visited there.

صفت فعلی که در آن وندافزایی مشاهده می‌شود به چند صورت ساخته می‌شود: الف) صورت باقاعده که وند ed- می‌گیرد، مانند walked؛ ب) صورت بی‌قاعده که کاملاً متفاوت از صورت زمان حال است، مانند go/went/gone؛ پ) صورت بی‌قاعده که با افزودن پسوند -en به فعل ساده ایجاد می‌شود، مانند take/took/taken و ت) صورتی بی‌قاعده که برای شکل‌گیری آن حرف a در صورت گذشته ساده به حرف u تبدیل می‌شود، مانند begin/began/begun. بر اساس سازوکارهای نظری رویکرد درس‌لر و مایرتالر (1978)، اگر یک نقش از طریق یک صورت بیان شود وحدت شکلی برقرار شده است. صفت فعلی به صورت‌های متفاوتی بیان می‌شود: افزودن ed- یا en- و یا امتزاج. از این رو، به ملاک وحدت شکلی آسیب زده است. نمونه‌هایی از این وند تصریفی از پیکره جمع‌آوری شده است که تعداد آنها معادل ۹ مورد است، مانند taken و fallen arisen.

۷-۲-۴. نشانه تصریفی نمودساز -ing

فعل استمراری حال و گذشته، نشانه تصریفی دارد و با وند تصریفی -ing در پیکره یافت شده است. ساخت فعل حال استمراری چنین است که به ریشه فعل، پسوند تصریفی -ing اضافه می‌شود. این ساخت عملی را بیان می‌کند که در زمان حال یا آینده انجام خواهد شد و مشابه مضارع اخباری در زبان فارسی است. مثال ذیل نمونه‌ای از نمود استمراری است:

4. We are walking silently.

نمود استمراری تنها از طریق نشانه تصریفی -ing بیان می‌شود و نشانه تصریفی دیگری این نقش را به عهده ندارد. از این رو، در این مورد نیز وحدت شکلی کاملاً رعایت شده است. بسامد نمود استمراری -ing بیش از نمود مفعولی en- است و از این رو، بی‌نشان‌تر محسوب می‌شود. قید در زبان انگلیسی از وندهای اشتقاقی بهره می‌برد، بنابراین از تفسیر آن در مقاله حاضر خودداری می‌کنیم.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

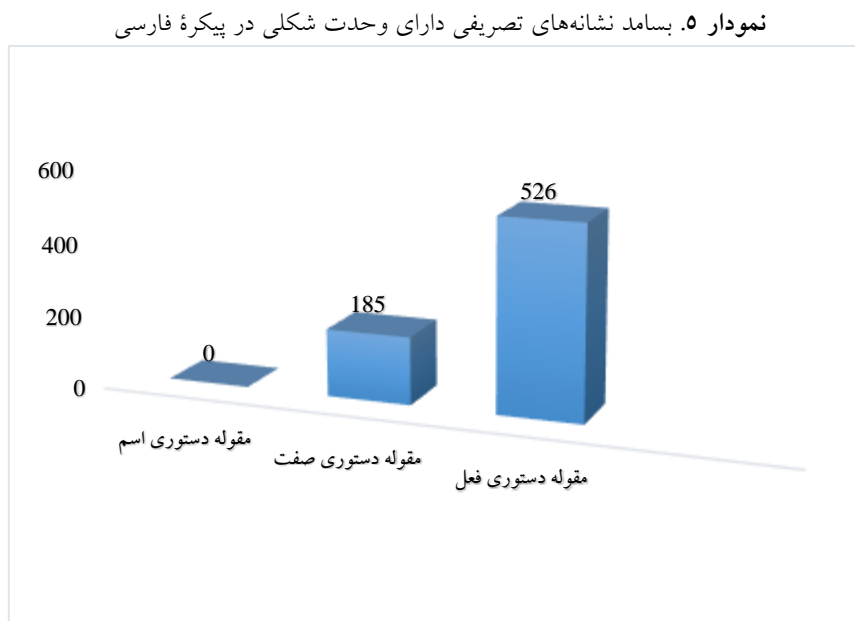
در مقاله حاضر، به بررسی وحدت شکلی و بسامد وقوع آن در عناصر تصریفی دو زبان فارسی و انگلیسی از دیدگاه نظریه صرف طبیعی پرداخته شد و نشان‌داری نیز به عنوان اصلی مرتبط با آن مورد بررسی قرار گرفت. مقالات پیشین، از جمله پژوهش حق‌بین (۱۳۷۸) با بررسی وندهای تصریفی در زبان فارسی به این نتیجه رسیده‌اند که وندهای تصریفی اسم‌ساز و صفت‌ساز ملاک وحدت شکلی را نسبت به وندهای تصریفی فعل‌ساز بیشتر رعایت کرده‌اند و با تبعیت از این ملاک منجر به طبیعی بودن زبان فارسی شده‌اند. این دستاورد با نتیجه مقاله حاضر تا حدودی هم‌سویی دارد که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم. در مقاله حاضر، پس از تحلیل و بررسی وندهای تصریفی پیکره بر اساس تقسیم‌بندی هسپلمث و سیمز (2010)، وحدت شکلی این نشانه‌ها در دو زبان فارسی و انگلیسی بررسی شد. وحدت شکلی و بسامد نشانه‌های تصریفی در زبان فارسی در جدول (۲) نمایش داده شده است.

پس از تحلیل داده‌های پیکره بر اساس رویکرد صرف طبیعی، نتایج پژوهش نشان داد که در زبان فارسی ۱۳ نشانه از ۱۸ صورت موجود (شامل پسوند /-tar/ صفت تفضیلی‌ساز و /-tarin/ صفت عالی‌ساز، «ت»، «ید»، «د» و «اد» گذشته‌ساز، شناسه‌های فعلی و «ن» منفی‌ساز) وحدت شکلی دارند و باقی نشانه‌های تصریفی فاقد وحدت شکلی هستند. از میان نشانه‌های تصریفی دارای وحدت شکلی، برخی وحدت شکلی بیشتر و برخی وحدت شکلی کمتری دارند. یعنی این میزان نسبی و مدرج است. جدول (۲) بسامد وقوع هر نشانه تصریفی دارای وحدت شکلی را نشان می‌دهند.

جدول ۲. وحدت شکلی و بسامد نشانه‌های تصریفی در زبان فارسی

بسامد		وحدت شکلی	ارزش تصریفی	ویژگی تصریفی	نشانه تصریفی	مقوله دستوری
بسامد در مقوله دستوری	بسامد در نشانه تصریفی					
۳۱۴	۱۷۲	-	جمع	شمار	ها -	اسم
	۱۰۸	-	جمع	شمار	ان -	
	۳۴	-	جمع	شمار	ات -	
	۰	-	جمع	شمار	ین -	
	۰	-	جمع	شمار	ون -	
۱۸۵	۱۰۵	✓	برتر	صفت	تر -	صفت
	۸۰	✓	عالی	صفت	ترین -	
۱۱	۱۱	-	حالت	قید	تر -	قید
۵۴۰	۱۴	-	آینده	زمان	می -	فعل
	۶۲	✓	اخباری	وجه		
	۵۸	✓	استمراری	نمود		
	۱۸	✓	گذشته	زمان	د -	
	۳۵	✓	حال	زمان	ت -	
	۲۸	✓	گذشته	زمان		
	۱۷	✓	گذشته	زمان	ید -	
	۱۷	✓	جمع	شمار		
	۱۷	✓	دوم	شخص		
	۳	✓	گذشته	زمان	اد -	
	۱۰	✓	امری	وجه	ب -	
	۱۴۶	✓	التزامی	وجه		
	۸	✓	شرطی	وجه		
	۱	✓	دعایی	وجه		
	۱۴۰	✓	منفی	قطبیت	ن -	
	۵۳۰	✓	اول، دوم، سوم	شخص	- م / ی / Ø / د - یم / ید / ند شناسه	
	۵۳۰	✓	جمع، مفرد	شمار	- م / ی / Ø / د - یم / ید / ند شناسه	

در نمودار (۵) نیز بسامد نشانه‌های تصریفی دارای وحدت شکلی در پیکره فارسی آورده شده‌اند:



با توجه به نمودار شماره (۵)، بسامد مقوله دستوری فعل در زبان فارسی که دارای وحدت شکلی است ۵۲۶ مورد است. این مقدار بیش از بسامد مقوله دستوری صفت (۱۸۵ مورد) است. در زبان فارسی مقوله دستوری اسم وحدت شکلی ندارد.

در جدول شماره (۳)، نیز وحدت شکلی و بسامد وقوع نشانه‌های تصریفی موجود در پیکره انگلیسی نمایش داده شده است.

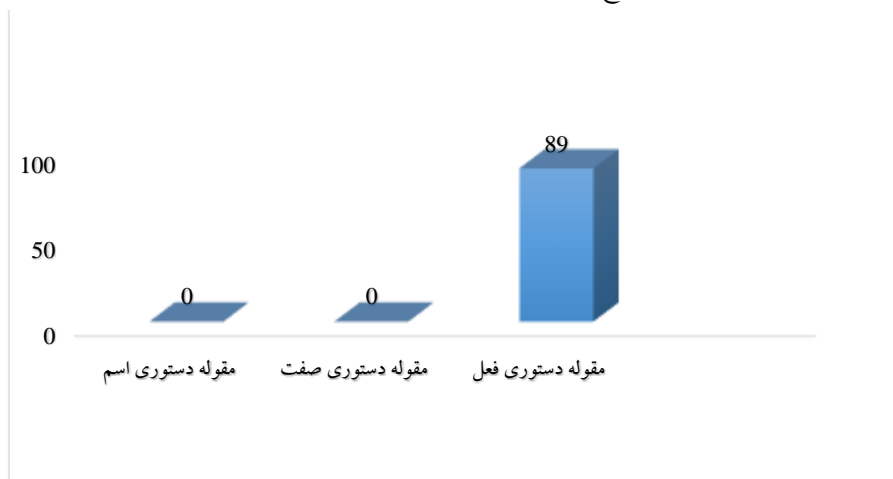
پس از تحلیل داده‌های پیکره بر اساس رویکرد صرف طبیعی، نتایج پژوهش نشان داد که در زبان انگلیسی ۲ نشانه از ۸ صورت موجود (شامل s- سوم شخص و ing- نمودساز) وحدت شکلی دارند و باقی نشانه‌های تصریفی فاقد وحدت شکلی هستند. از میان نشانه‌های تصریفی دارای وحدت شکلی، برخی وحدت شکلی بیشتر و برخی وحدت شکلی کمتری دارند. یعنی این میزان نسبی و مدرج است. جدول (۳) بسامد وقوع هر نشانه تصریفی دارای وحدت شکلی را نشان می‌دهند.

جدول ۳. وحدت شکلی و بسامد نشانه‌های تصریفی در انگلیسی

بسامد						
مقوله دستوری	نشانه تصریفی	ویژگی تصریفی	ارزش تصریفی	وحدت شکلی	بسامد در نشانه تصریفی	بسامد در مقوله دستوری
اسم	-s	شمار	جمع	-	۱۵۳	۱۷۲
	-'s	پیونده / نشانه ملکی	مالکیت	-	۱۹	
صفت	-er	صفت	برتر	-	۱۳	۲۳
	-est	صفت	عالی	-	۱۰	
فعل	-s	شخص	سوم شخص	✓	۴۲	۱۷۰
		شمار	مفرد	✓	۴۲	
		زمان	حال	✓	۴۲	
	-ed	زمان	گذشته	-	۷۲	
	-en	نمود	نمود کامل	-	۹	
	-ing	نمود	استمراری، نمود ناقص	✓	۴۷	

در نمودار (۶) نیز بسامد وقوع نشانه‌های تصریفی دارای وحدت شکلی در پیکره انگلیسی به تصویر کشیده شده است:

نمودار ۶. بسامد وقوع نشانه‌های تصریفی دارای وحدت شکلی در پیکره انگلیسی



نمودار شماره (۶) نشان می‌دهد که در زبان انگلیسی ۸۹ وند تصریفی فعل‌ساز وحدت شکلی دارند و این در حالی است که وندهای تصریفی صفت‌ساز و اسم‌ساز دارای وحدت شکلی نیستند.

هرچه بسامد وحدت شکلی نشانه‌ای بیشتر باشد، آن نشانه بی‌نشان‌تر و هرچه بی‌نشان‌تر باشد، طبیعی‌تر است. لذا، این نتیجه به دست می‌آید که برخی نشانه‌های تصریفی از قبیل شناسه‌ها، منفی‌سازها و نشانه‌وجه التزامی در زبان فارسی طبیعی‌تر از نشانه‌های تصریفی وجه دعایی، «-اد» گذشته‌ساز و نشانه‌تصریفی امری‌ساز هستند. به همین ترتیب، می‌توان نشانه‌های تصریفی شخص و شمار در زبان انگلیسی را طبیعی‌تر از نشانه‌تصریفی نمود ناقص تلقی کرد. این پژوهش نشان داد که حضور تمامی صورت‌های متراکم، صورت‌های مکمل و امتزاج‌ها به واسطه آن که رابطه یک‌به‌یک بین صورت و نقش در تصریف آنها رعایت نشده است، به وحدت شکلی مفاهیم دستوری آسیب زده‌اند. به عبارت دیگر، میزان طبیعی بودن دو نظام صرفی فارسی و انگلیسی را کاهش داده‌اند. طبق انگاره صرف طبیعی، هر تکواژ یک صورت و یک معنا دارد و رابطه یک‌به‌یک دوطرفه بین صورت و معنا وجود دارد. حال اینکه در بعضی از موارد در این دو زبان وضعیت اینگونه نیست و علت را -آنطور که حامیان این رویکرد می‌گویند- باید ناشی از قواعد تکواژگونگی^۱ بدانیم. با توجه به نظریه صرف طبیعی، علاوه بر قواعد واجی و قواعد صرفی، این قواعد تکواژگونگی هستند که تلفظ‌های متنوع تکواژها را سبب می‌شوند و چنین صورت‌های غیر خودکاری را در این دو زبان تولید کرده‌اند.

نتیجه دیگری که از این پژوهش حاصل شد این است که از مقوله دستوری اسم، وند تصریفی جمع‌ساز در هر دو زبان فاقد وحدت شکلی است و از مقوله دستوری فعل، وجه استمراری - که با وند تصریفی «-می» در زبان فارسی و «-ing» در زبان انگلیسی بازنمایی می‌شود - دارای وحدت شکلی است و این مورد یکی از وجوه اشتراک زبان‌های فارسی و انگلیسی است. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که در هر دو پیکره فارسی و انگلیسی، نشانه‌های تصریفی فعل بسامد وقوع بیشتری نسبت به نشانه‌های صفت، قید و اسم دارند. حال با در نظر گرفتن نشانه‌های دارای وحدت شکلی، در پیکره فارسی از میان ۵۴۰ نشانه تصریفی فعلی ۵۲۶ نشانه دارای وحدت شکلی هستند، حال آن که تمامی نشانه‌های تصریفی اسم‌ساز فاقد

1 allomorphy

وحدت شکلی هستند و وندهای تصریفی صفت ساز وحدت شکلی دارند. این در حالی است که در زبان انگلیسی از میان ۱۷۰ نشانه تصریفی فعلی ۸۹ مورد که مرتبط با نشانه تصریفی -“s” و “-ing” هستند وحدت شکلی دارند. در مقوله های اسم و صفت، تمام نشانه های تصریفی فاقد وحدت شکلی هستند. بنابراین، این نتیجه به دست می آید که در زبان فارسی وحدت شکلی در تصریف مقوله های صفت و فعل بیش از وحدت شکلی در تصریف مقوله اسم است. این در حالی است که وحدت شکلی مقوله فعل در زبان انگلیسی بیش از وحدت شکلی مقوله های اسم و صفت آن است و این امر تفاوت موجود در نظام صرفی این دو زبان را نشان می دهد. به علاوه، از آنجا که اگر مفهومی وحدت شکلی داشته باشد بی نشان است و هرچه بسامد مفاهیم دارای وحدت شکلی بیشتر باشد، بی نشان تر هستند، در زبان فارسی مقوله های صفت و فعل بی نشان تر از مقوله اسم هستند. از این رو، می توان چنین نتیجه گرفت که در فارسی نشانه های تصریفی صفت و فعل طبیعی تر از نشانه های تصریفی اسم هستند. در حالی که از این منظر، در زبان انگلیسی فقط فعل بی نشان تر از مقوله های اسم و صفت است و نشانه های تصریفی فعل طبیعی تر از نشانه های تصریفی اسم و صفت هستند. نتایج تحقیق حاضر برای زبان شناسان و پژوهشگران حوزه زبان مفید و مؤثر است. همچنین، دستاوردهای آن می تواند در حوزه ترجمه و مطالعات نظری ترجمه سودمند باشد. پژوهش حاضر می تواند پیش زمینه ای برای انجام پژوهش های آتی فراهم آورد. از جمله موضوعات پیشنهادی مرتبط می توان به بررسی میزان طبیعی بودن وندهای اشتقاقی در زبان فارسی بر مبنای تمام ملاک های طبیعی بودن زبان اشاره کرد.

تعارض منافع

تعارض منافع نداریم.

ORCID

Leila Gholipour



<https://orcid.org/0000-0002-3835-6382>

Hasankiade

Foroogh Kazemi



<http://orcid.org/0000-0001-6635-0036>

منابع

- حق‌بین، فریده. (۱۳۷۸). بررسی میزان طبیعی بودن نظام تصریفی زبان فارسی بر مبنای نظریه صرف طبیعی. *فصلنامه زبان و ادب*، ۹(۱۰)، ۷۵-۹۵.
- حق‌بین، فریده. (۱۳۷۹). نگرشی به نظریه صرف طبیعی. *فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)*، ۶(۱۰)، ۲۳-۴۳.
- حق‌بین، فریده و کوشکی، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی متجانس بودن نظام تصریفی زبان فارسی بر مبنای صرف طبیعی. *نشریه جستارهای زبانی*، ۲۷، ۱۰۵-۱۳۰.
- قلی‌پور، لیلا و کاظمی، فروغ. (۱۴۰۱). بررسی شفافیت در وندهای تصریفی فارسی و انگلیسی براساس نظریه صرف طبیعی. *فصلنامه زبان‌شناخت*، ۲، ۱۲۵-۱۵۳.
- یول، جورج. (۱۳۸۹). *بررسی زبان*. ترجمه علی بهرامی. تهران: نشر رهنما.

References

- Bailey, C. (2007). Piapoco and Natural Morphology theory. *Proceedings of WIGL 2007 (LSO Working Papers in Linguistics, University of Wisconsin-Madison)*, 33-53.
- Corpus of Contemporary American English (2021). <http://www.english-corpora.org/coca/>.
- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dressler, W. U. (2005). Morphological typology and first language acquisition: Some mutual challenges. *Morphology and Linguistic Typology*, 4, 7-21.
- Dressler, W. U., & Kilani-Schoch, M. (1984). *Natural Morphology*. Wiener Linguistische.
- Dressler, W. U., Mayerthaler, W., Panagl, O., & Wurzel, W. U. (Eds.) (1978). *Leitmotifs in Natural Morphology*. John Benjamins B.V.
- Gaeta, L. (2018). Natural morphology. In J. Audring & F. Masini (Eds.), *The Oxford Handbook of Morphology Theory* (pp. 244-264). Oxford: Oxford University Press.
- Galeas, G. (2001). What is Natural Morphology? The state of the art. *Journal of Linguistics*, 13, 7-33.
- Gholipour, L., & Kazemi, F. (2022). Investigating transparency in Persian and English inflectional affixes: Based on Natural Morphology theory. *Language Studies*, 2, 125-153. [In Persian]

- Hagbhin, F., & Koshki, F. (2015). Congruity of Persian inflectional system based on Natural Morphology. *Language Related Research*, 27, 105-130. [In Persian]
- Hagbhin, F. (2000). Natural Morphology. *Journal of Al-Zahra University*, 36(10), 23-43. [In Persian]
- Hagbhin, F. (1999). Investigation of Naturalness of Persian inflectional system based on Natural Morphology theory". *Language & Literature*, 9-10, 75-95. [In Persian]
- Haspelmath, M., & Sims, A. D. (2010). *Understanding Morphology*. Hodder Education.
- Persian Language Data Base (2021). Retrieved from <http://pldb.ihcs.ac.ir>
- Jakobson, R. (1958). Typological studies and their contribution to historical and comparative linguistics. *Proceedings of the Eighth International Congress of Linguists, Oslo: Oslo University*, 17-25.
- Spencer, A. (1991). *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*. Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Trubetzkoy, N. (1931). *Principles of Phonology*. Berkeley & Los Angeles: University of California Press.
- Yule, G. (2010). *Study of Language*. Tehran: Rahnama Publication. [In Persian]

استناد به این مقاله: قلی پور حسن کیاده، لیلا، کاظمی، فروغ. (۱۴۰۱). بازنمایی وحدت شکلی در تصریف فارسی و انگلیسی براساس نظریه صرف طبیعی: رویکردی پیکره‌بنیاد. *علم زبان*، ۹ (۱۶)، ۴۱۳-۴۴۲. Doi: 10.22054/LS.2022.68638.1551



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.